

## ادبیات عاشورایی، سیر تحوّل و تکامل آن در ادب فارسی

ماهرخ آهمه<sup>۱</sup>

(تاریخ دریافت ۹۵/۲/۵ تاریخ پذیرش ۹۵/۴/۱۸)

### چکیده

حماسه بزرگ عاشورا و قیام جاودانه سیدالشهدا علیه السلام، از چنان جایگاه و منزلتی برخوردار است که اندیشه حقیقت جوی آدمی را در هر گوشه جهان به تأمل و تفکر درباره خویش فرا می‌خواند. اگر چه بیش از هزار سال از آن رخداد سرنوشت‌ساز می‌گذرد، اما گستردگی و غنای آن به گونه‌ای است که هرگاه کسی به اندیشه و تعمق پیرامون آن بپردازد، بازهم به نکته‌ای تازه و درخور دست می‌یابد. به راستی راز این تازگی و ماندگاری در چیست؟ حقیقت آن است که این حرکت بزرگ ریشه در باورهای آرمانی و فطرت پاک انسانی دارد و همین امر سبب شده است تا شاعران و سخنوران حق‌جو در طول تاریخ به دور از هرگونه چشم‌داشت و توقع، زبان به وصف این حماسه بزرگ و پدید آورندگان آن بکشایند، در ادبیات ما نیز، این حرکت بزرگ از نظرگاه شاعران اخلاق‌گرا و متعهد، دور نمانده و از نیمه دوم قرن چهارم به عنوان طرحی نو (شعر عاشورا) در ادب فارسی به ظهور رسیده است. این مقاله برآن است تا با استناد به مدارک و منابع موجود، به شیوه تحلیلی به بررسی این بخش از ادبیات آیینی بپردازد.

**کلید واژه‌ها:** ادبیات آیینی، نظم، شعر عاشورا، شعر عاشورایی، سیر تحول و تکامل.

۱. دانشجوی مقطع دکتری، رشته زبان و ادبیات فارسی (Dezroud93@gmail.com)

## مقدمه

هر سال با پیدایش هلال محرم در دل همه آزاد مردمان جهان و به ویژه شیعیان شور و غوغایی برپا می‌شود. هلال محرم با خود سخن از حماسه‌ای دارد که پس از گذشت قرن‌ها وجدان عدالت‌جو و آزادی‌خواه بشر را به خویش می‌خواند. پس درحقیقت محرم ماه بازگشت به خویشتن است، خویشتنی که در غبار پلیدی‌ها گم شده و غفلت‌ها و خودبینی‌ها آن را از چشم ما دورتر می‌کند.

محرم این امکان را به ما می‌بخشد که با تأمل و تفکر در فلسفه قیام حسین علیه السلام خویشتن خویش را دریابیم؛ خویشتنی که پاکی، عدالت، وفاداری، عشق، بندگی و در یک کلام انسانیت را می‌ستاید و ما اگر به حسین علیه السلام عشق می‌ورزیم و در برابر روح بلندش جبهه می‌ساییم در حقیقت وجدان پاک خود را ستوده ایم.

تأکید و توجه حضرات معصومین علیهم السلام به پاس داشت و بزرگداشت نام و یاد حسین علیه السلام شاعران بسیاری را برآن داشته است تا با سلاح قلم به حفظ ارزش‌های اصیل قیام حسینی و انتقال آن به نسل‌های آینده همت گمارند. در حقیقت این گروه از شاعران سفیرانی هستند که پیام سرخ عاشورا را با زبانی گرم و گیرا به گوش عصرها و نسل‌ها می‌رسانند.

عاشورا به سبب پیوند با باورها و فرهنگ ما از دیرباز بخشی از ادبیات منظوم و منثور ما را به خود اختصاص داده است. ایرانیان ارادتمند نیز همواره کوشیده‌اند تا زوایای گوناگون این قیام بزرگ را به تصویر کشیده و با خلق آثاری ارزشمند، محبت و ارادت خویش را به خاندان رسالت بیان نمایند. شعر عاشورا با قدمتی هزار ساله، محصول این تفکر است و تلاش می‌کند با مدد اندیشه‌های بزرگی که در این حوزه قلم می‌زنند، مرزهای پختگی را تجربه کند.

### ۱. تعریف شعر عاشورا و تفاوت آن با شعر عاشورایی

یکی از مقوله‌های مهم شعرآیینی، شعر عاشورا و تفاوت آن با شعر عاشورایی است. موضوع شعر عاشورا، مسائل مربوط به قیام الهی امام حسین علیه السلام و اخبار مبتنی بر شهادت

آن حضرت، از زمان حضرت آدم تا خاتم و حوادث مرتبط با این نهضت بی نظیر، از مکه تا کربلا و از کربلا تا مدینه و مکه است و همانند سایر انواع شعر سنتی در زبان فارسی سبک‌های مختلف، قالب‌های متنوع و اوزان متعدد عروضی دارد؛ علاوه بر این در قلمرو شعر نو و آزاد نیز آثاری ارزنده در موضوع کربلا و عاشورا وجود دارد که از ضوابط خاص خود پیروی می‌کند (مجاهدی، ۴۹: ۱۳۷۹-۴۸).

در حقیقت شعر عاشورا بیشتر به جنبه‌های عاطفی، احساسی، ماتمی و گاه حماسی نهضت حسینی اشاره دارد و جای مفاهیم ارزشی در آن تقریباً خالی است. اما شعر عاشورایی که خود را به عنوان طرحی نواز شعر عاشورا متمایز می‌کند، در واقع در پس اندیشه متفکران و شاعرانی قرار دارد که صحنه‌های پرشور عاشورا را با مفاهیم ارزشی عظیمی که در پس هر کدام نهفته است؛ به تصویر کشیده‌اند.

بنابراین در تعریف شعر عاشورایی باید گفت: شعر عاشورایی، به سروده‌هایی اطلاق می‌شود که به حادثه عظیم عاشورای سال ۶۱ هجری و رویدادهای پیوسته به آن می‌پردازد. در این گونه سروده‌ها، سوگ، حماسه، عظمت، اخلاق و ابعاد گوناگون این نهضت خونین تصویر و ترسیم می‌شود. پس فلسفه قیام حسین بن علی علیه السلام، اهداف الهی نهضت عاشورا، فلسفه همراهی خاندان امام با او، راز مهلت خواستن در شب عاشورا از سوی امام علیه السلام، اسارت زنان و فرزندان و سزافشاگری‌های زینب علیها السلام و امام سجاد علیه السلام همگی در این حیطه شعری (شعر عاشورایی) امکان بیان و طرح می‌یابد.

## ۲. پیشینه شعر عاشورا در ادب فارسی

پس از ورود اسلام به ایران حاکمان سنی مذهب، اقتدار سیاسی یافتند و حمایت بی دریغ آنان از خلفای اموی، باعث ایجاد فضای بسته سیاسی شد؛ فضایی که شاعران شیعه مذهب را به سکوت و خاموشی طولانی واداشت و باعث شد که سابقه شعر عاشورا در سه دهه آغازین هجری در پرده‌ای از ابهام فرورود.

اما آن چه مسلم است، این است که باروی کار آمدن آل بویه (۴۴۷-۳۲۲ ه.ق) در ایران و ارادت خاص این خاندان شیعی مذهب به علی علیه السلام و فرزندانش، کفه حکومت در

ایران به نفع شیعه سنگین شد و با رواج اقتدار سیاسی شیعه، از نیمه دوم قرن چهارم، ادبیات عاشورا به عنوان فصلی تازه در ادب فارسی مطرح گردید. آل بویه نخستین بار به برگزاری جشن عید غدیر و برپایی نماز عید به همراه آذین بندی شهرها و خیابان‌ها اقدام کرد و به طور رسمی ارادت خویش را به ساحت امیر المؤمنین علیه السلام و فرزندانش نشان داد. از دیگر اقدامات آنان برپایی مراسم سوگواری در ثای شهدای کربلا بود که در قالب مقتل خوانی و مرثیه سرایی و تشکیل هیئت‌های عزاداری انجام می‌گرفت. بر روی هم اقدامات این خاندان سبب شد تا شیعه در ایران جایگاه سیاسی و اجتماعی برتری یابد.

### ۳. شاعران عاشورایی از آغاز تا عصر محتشم

در این که شاعران عرب در سرایش شعر عاشورا بر فارسی زبانان پیشی گرفته‌اند، جای تردید نیست. «بی گمان مرثیه سرایی در باب عاشورا با زبان عربی آغاز شده است و با توجه به این نکته که شعر با عرب همزادی و همراهی آشکاری دارد، آغاز سرایش نباید با فاصله چندانی پس از واقعه عاشورا باشد و حتی اگر رجزهای اصحاب را از نوع شعر عاشورایی بدانیم؛ شعر عاشورا با حادثه عاشورا دقیقاً همزاد است.» (کافی، ۱۱۰: ۱۳۸۸) مانند این رجز امام علیه السلام در شب عاشورا، که هنگام آماده‌سازی شمشیر خود برای نبرد فردا سروده‌اند:

يَا دَهْرَ أَفْ لَكَ مِنْ خَلِيلٍ      كَمْ لَكَ بِالْأَشْرَاقِ وَالْأَصِيلِ  
 مِنْ صَاحِبِ أَوْ طَالِبِ قَتِيلٍ      وَالذَّهْرُ لَا يَنْفَعُ بِالْبَدِيلِ  
 وَإِنَّمَا الْأَمْزَالِي الْجَلِيلِ      وَكُلُّ حَيٍّ سَالِكُ السَّبِيلِ

(محدثی، ۲۷۲: ۱۳۸۳)

اما شعر عاشورا در ادبیات فارسی با اندک فاصله زمانی از پیدایش شعر دری، به وجود آمد و «شاید ابوالحسن مجدالدین کسایی مروزی (متولد ۳۴۱ ه. ق) نخستین شاعر فارسی زبان شیعی باشد که سوگ سروده او در مرثی حضرت سید الشهداء و اصحاب وفاداران حضرت در پیشینه شعر مکتوب عاشورا به ثبت رسیده و از این روی او را آغازگر این حرکت در شعر مکتوب آیینی در زبان فارسی می‌دانند.» (مجاهدی، ۵۹: ۱۳۷۹)

آن چه مسلم است، این است که کسایی با سرودن قصیده‌ای در رثای شهدای کربلا با مطلع:

باد صبا در آمد، فردوس گشت صحرا      آراست بوستان را، نیسان به فرش دیبا  
(امامی، ۱۳۷۴: ۷۱)

نام خود را به عنوان نخستین سخن سرای عاشورایی در ادب فارسی به ثبت رسانده و پس از او شاعران پرآوازه‌ای مانند، بابا طاهر همدانی (قرن ۵)، حکیم سنایی غزنوی و عطار نیشابوری (قرن ۶)، مولانا جلال الدین بلخی (قرن ۷)، سیف فرغانی (قرن ۸-۷)، ابن یمین فریومدی، سلمان ساوجی و خواجوی کرمانی (قرن ۸) حسام الدین خوسفی (قرن ۹)، اهلی شیرازی (قرن ۱۰-۹)، بابا فغانی شیرازی و وحشی بافقی (قرن ۱۰) اشعار و سوگ‌سرودهایی در ذکر مصایب اهل بیت و به ویژه در خصوص حادثه‌ی جان‌گداز عاشوراسروده‌اند که همگی در پیشینه‌ی ادب این سامان به یادگار مانده است. با هم منتخبی از شعر عاشورایی رادر قرون یاد شده مرور می‌کنیم:

### قرن پنجم

عاشق اون بی که دایم در بلا بی      ایوب آسا به کرمون مبتلا بی  
حسن آسا بنوشه کاسه زهر      حسین آسا شهید کربلا بی  
(بابا طاهر، ۱۳۵۴: ۱۵۴)

### قرن ششم

تاز سرشادی برون نهند مردان صفا  
پای نتوانند بردن بر بساط مصطفا  
خزّمی چون باشد اندر کوی دین کز بهر ملک  
خون روان کردند از حلق حسین در کربلا  
(سنایی، ۱۳۶۲: ۴۱)

### قرن هفتم

کجایید ای شهیدان خدایی      بلاجویان دشت کربلایی  
کجایید ای زجان و جا رمیده      کسی مرعقل را گوید کجایی  
کجایید ای در زندان شکسته      بداده وامداران را رهایی  
(مولوی، ۵۲۳:۱۳۶۳)

### قرن هشتم

دیشب از آهم حمایل در برجوزا بسوخت  
وز نفیرسوزناکم کله خضرا بسوخت  
چون نسوزم کز غم سبطین سلطان رسل  
جان منظوران این نه منظرمینا بسوخت  
چون روان کردند خون از قره العین نبی  
چشم عیسی خون بیاریدودل ترسا بسوخت  
دیده تردامن آن روزش بیفکندم ز چشم  
کان نهال باغ پیغمبرزاستسقا بسوخت  
(خواجو، ۱۳۴:۱۳۶۹)

### قرن نهم

قندیل آفتاب کزو عرش را ضیاست      تاب شعاع روضه مظلوم کربلاست  
کرب و بلای پرده نشینان اهل بیت      در کربلا بجوی که هم کرب وهم بلاست  
برنرگس پرآب و لب تشنه حسین      دریا و کوه وانجم وافلاک در عزاست  
لب تشنگان چو دست تظلم برآورند      ترسم که آب خون شود از شرم باز خواست  
(خوسفی، ۲۲۵:۱۳۶۶)

۱۳۳  
اما در میان این خیل عظیم، چهره شمس الشعرا، محتشم کاشانی، شاعر بلند آوازه قرن  
دهم چهره‌ای یگانه است. ترکیب بند بی بدیل او - که تا همیشه برتارک شعر عاشورا  
خواهد درخشید - انقلابی در عرصه ادبیات عاشورایی به وجود آورد و روح تازه‌ای به کالبد

آن دمید؛ شعرعاشورا که دیرزمانی از تکرار مضمون و محتوا و کهنگی ساختار رنج می برد، با ظهور محتشم باردیگر در کسوتی تازه قد برافراشت. با هم ابیاتی از این سروده را مرور می کنیم:

باز این چه شورش است که در خلق عالم است

باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است

باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین

بی نفع صور خاسته تا عرش اعظم است

این صبح تیره باز دمید از کجا، کزو

کار جهان و خلق جهان جمله در هم است

گویا طلوع می کند از مغرب آفتاب

کاشوب در تمامی ذرات عالم است

گر خوانمش قیامت دنیا بعید نیست

این رستخیز عام که نامش محترم است

در بارگاه قدس که جای ملال نیست

سرهای قدسیان همه برزانوی غم است

جن و ملک بر آد میان نوحه می کنند

گویا عزای اشرف اولاد آدم است

خورشید آسمان و زمین نور مشرقین

پرورده کنار رسول خدا حسین

(محتشم کاشانی، ۱۳۸۵: ۵۳۳)

ترکیب بند محتشم که گویا الهامی آسمانی بر قلب زمینی شاعر است، از چنان اقبال و توجهی برخوردار گردید که تمام مجالس و محافل سوگواری سید الشهداء علیه السلام با آن زینت یافت و بسیاری از شاعران و عالمان را به پیروی و استقبال از آن واداشت. «مرثیه خوانان که مجالس روضه خوانی حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام را گرمی و رونق می بخشیدند تا

سال ۹۱۰ روضه الشهداء را با اشعار عربی توأم نموده، در حقیقت وقایع خوانی و مقتل‌گویی می‌کردند و بدین وسیله شور و حالی فراهم می‌آوردند. لکن زمانی که ترکیب‌بند برجسته حسان العجم مولانا کمال الدین، شمس الشعرا محتشم کاشانی جاودانه‌ترین سوگ نامه تاریخ را فراهم کرد، نه تنها مرثیه خوانان آن را به کار می‌گرفتند، بل مرثیه‌سازان در این قالب به سرودن مرثیه پرداختند و همچنان سرلوحه دفتر مرثیاتی ادب فارسی است و سروده‌های او هرگز مشمول گذشت روزگاران نشده است؛ یعنی، مثل اصل مصیبت عظیم و بی‌مانند حضرت سیدالشهدا علیه السلام به مرور دهور و سپری شدن سالیان، هیچ‌گاه کهنگی نپذیرفته و هرروز در تجدّد و تازگی بوده است» (عمان سامانی، ۱۸۶: ۱۳۷۹-۱۸۵). پس از محتشم کاشانی شاعران دیگر از جمله صائب تبریزی، واعظ قزوینی، بیدل دهلوی تا سخنوران توانای روزگار ما همگی با خلق آثاری با شکوه برغناهی ادب عاشورایی افزوده‌اند.

#### ۴. قرائت‌های مختلف از فرهنگ عاشورا و بازتاب آن در ادب فارسی

حادثه عاشورا به دلیل اهمیت و ارزش فراوانی که دارد به وسیله مقتل‌گویان و مطلعین بسیار با قرائت‌های متفاوت نقل شده است و سخنوران بسیاری با تأثیرپذیری از این قرائت‌ها به آفرینش آثار ادبی دست یافته‌اند. مهم‌ترین این قرائت‌ها عبارتند از:

الف: قرائت‌های اساطیری و اسطوره‌سازی؛ ب: قرائت‌های عاطفی و احساسی؛ ج: قرائت‌های عرفانی؛ د: قرائت‌های براندازی برای به دست گرفتن حکومت؛ ه: قرائت‌های ارزشی و مکتبی» (مجاهدی، ۱۳۷۹: ۱۵۸)؛ به طور اجمال به معرفی هریک از آنان می‌پردازیم:

##### الف: قرائت اساطیری و اسطوره‌سازی

این قرائت به گونه‌ای اغراق‌آمیز حوادث عاشورا را به تصویر می‌کشد و در آن حوادث عاشورا و شخصیت‌های آن به شکل مبالغه‌آمیز توصیف می‌شوند. از جمله آثاری که از چنین ساختار فکری ریشه گرفته‌اند، می‌توان به کتاب روضه الشهداء نوشته ملا حسین واعظ کاشفی اشاره کرد که در قرن دهم نوشته شده و سراسر لبریز از روایت‌های مجهول و



نادرست است. به دلیل تأثیرگذاری بسیار این اثر بر مخاطبان روزگار خود، به نمونه‌ای از آن اشاره می‌کنیم:

«حقا که شرح این حکایت مشتمل بر نکایت به مرتبه‌ای است که به اعانت قوت تقریر در مکان امکان نگنجد و ثبت این قصه منطوی بر غم و غصه، به مثابه‌ای است که به وسیله صورت تحریر به حیث ظهور در نیاید؛ نه زبان قلم را طاقت اظهار است و نه قلم زبان را قوت و یارای گفتار.

همی ترسم که اندر وقت تقریر      زبان از آتش بی حد بسوزد  
و گرتحریر خواهم آن زمان هم      قلم بشکافد و کاغذ بسوزد  
(کاشفی، ۲۴۲: ۱۳۴۹)

ایضاً نمونه‌ای دیگر از قرائت خرافی واقعه عاشورا که از دیوان صامت بروجردی انتخاب شده است:

به گریه گفت که ای خواهر ستم‌دیده      بدار گوش که وقت فراق گردیده  
مباد آن که زنی بعد من تولطمه به رو      مکش زسینه خروش و مکن پریشان مو  
مگردمی که ببینی تنم به آه ونوا      شده‌ست بی سرو غلتان به خاک کرب و بلا  
مرخصی که در آن لحظه پریشان حال      کنی زسینه فغان چون کبوتر بی بال  
(صامت، بی تا: ۹۱)

در حالی که همه می‌دانیم طبق احادیث و اسناد موجود امام علیه السلام هرگز چنین رخصتی به خواهر بزرگوارش نداده است.

با پیدایش انقلاب مشروطه و آشنایی با فرهنگ غرب کم‌کم باور چنین تفکرانی غیر ممکن شد و سرانجام این اندیشه و شیوه قرائت از میان رفت.

### ب: قرائت عاطفی و احساسی

آن چه در این قرائت به عنوان هدف اصلی مورد توجه است؛ برانگیختن احساسات مخاطب و ایجاد تأثر و تألم فراوان به نحوی است که باعث گریاندن او شود. در این قرائت، گوینده با بیان مصایب اهل بیت علیهم السلام و پرداختن بیش از اندازه به آن چه روح و خاطر انسان را جریحه دار می‌کند، مانند تشنگی اهل حرم، تنهایی و بی کسی امام علیه السلام

پس از شهادت برادر بزرگوارش قمر بنی هاشم علیه السلام بیماری امام زین العابدین علیه السلام و... سعی در برانگیختن احساسات مخاطب دارد و می خواهد به هرنحو شده مجلس را با اشک و ناله مستمعین گرمی و رونق بخشد. غافل از این که با بیان این مسایل نه تنها خدمتی به اهل بیت علیهم السلام نکرده، بلکه ناخواسته شأن و عظمت آنان را در هم کوبیده و ارزش و اعتبار کار بزرگشان را زیر سؤال برده است. نمونه ای از این گونه شعر از کتاب «طوفان البكاء» سروده جوهری قزوینی:

یادم آمد باز سوز کربلا	داستان جنگ روز کربلا
کز خزان کین، چو از سرو سهی	گلشن آل پیمبر شد تهی
نوجوانان هریکی با روی ماه	تشنه لب خفتند بر خاک سیاه
چون ز اخوان وفادار حسین	ماند عباس علمدار حسین
بیرق همت ز مردی کرد راست	از شه لب تشنه اذن رزم خواست
چون مصیبت دیدگان دردمند	زان دویار یکدل افغان شد بلند
هر دو در راه وفا پابست هم	هر دو را در گردن هم دست هم
شاه فرمود ای سپهدار رشید	اذن جنگ از من مدار اکنون امید
ترک جان از یار جانی مشکل است	بی تو یکدم زندگانی مشکل است

(محمدزاده، ۱۳۸۳: ۸۵۸)

### ج: قرائت عرفانی

در میان قرائت های مختلف از واقعه کربلا، قرائت عرفانی جایگاه و منزلتی ویژه دارد؛ قرائت عرفانی ریشه در اندیشه و باورهای عقیدتی دارد. در این نوع قرائت تمامی حوادث و مصایبی که بر انبیا و اولیا وارد می شود، در حقیقت وسیله آزمایش آنان و سنجش عیار اخلاص آن ها به شمار می آید. این آزمایش ها ریشه در پیمان ازل و روز الست داشته و شدت و ضعف آن نیز وابسته به میزان تقرب آنان نزد خداوند است.

اولین کسی که در عرصه قرائت عرفانی گام نهاد، حاج میرزا صفی اصفهانی «متوفی ۱۳۱۶ ه. ق» معروف به صفی علی شاه است. پس از او نورالله عمان سامانی «۱۳۵۵-۱۲۹۰ ه. ق» با بیانی عارفانه به شرح واقعه عاشورا پرداخت و مثنوی «گنجینه الاسرار» را به سبک و سیاق «زبده الاسرار» مرحوم صفی علی شاه تدوین کرد. مثنوی گنجینه الاسرار از

حیث ارزش محتوایی یکی از ماندگارترین آثار مقتل سرایی در حوزه شعر عاشورایی است که گذشت ایام از لطافت و طراوت آن نکاسته است. با هم منتخبی از منظومه گنجینه الاسرار را مرور می‌کنیم:

دیگرم شوری به آب و گل رسید  
روی در میدان این دفترکنم  
چون که خود را یگه و تنها بدید  
قد برای رفتن از جا راست کرد  
پا نهاد از روی همت در رکاب  
کای سبک پر ذوالجناح تیز تک  
ای سماوی جلوه قدسی خرام  
رو به سوی دوست منهاج من است  
بد به شب معراج آن گیتی فرروز  
تو براق آسمان پیمای من  
کز میان دشمنم آری برون  
پس به چالاکی به پشت زین نشست  
ای مشعشع ذوالفقار دل شکاف  
آن قدر در جای خود کردی درنگ  
هان و هان ای جوهر خاکستری

وقت میدان داری این دل رسید  
شرح میدان رفتن شه، سرکنم  
خویشتن را دور از آن تن‌ها بدید  
هر تدارک خاطرش می‌خواست کرد  
کرد با اسب از سر شفقت خطاب  
گرد نعلت سرمه چشم ملک  
ای زمبدا تا معادت نیم گام  
دیده بگشا وقت معراج من است  
ای عجب معراج من باشد به روز  
روز عاشورا، شب اسرای من  
رو به کوی دوست گردی رهنمون  
این بگفت و برد سوی تیغ دست  
مدتی شد تا که ماندی در غلاف  
تا گرفت آینه اسلام زنگ  
زنگ این آینه می‌باید بری  
(عمان سامانی، ۳۲۷: ۱۳۷۹-۳۲۵)

#### د: قرائت براندازی برای برقراری حکومت اسلامی

این قرائت که در سال‌های مبارزه مردم ایران علیه حکومت پهلوی شکل گرفت؛ فلسفه اصلی قیام عاشورا را براندازی حکومت فاسد و به دست گرفتن قدرت سیاسی و داشتن اقتدار نظامی برای برپایی عدل و داد می‌داند.

کسانی که این نظریه را طرح کردند، بر این عقیده‌اند که امام حسین علیه السلام برای از بین بردن حکومت اموی قیام کرده و از حوادث پس از آن آگاهی نداشته است؛ چه اگر می‌دانست در این راه به توفیقی دست نمی‌یابد هرگز دست به چنین

قیامی نمی‌زد، زیرا قرآن صراحتاً فرموده است: «ولا تلقوا بایدیکم الی التهلکه» (بقره، آیه ۱۹۵).

اشکالی که بر این دیدگاه وارد است، این است که نظریه پردازان آن «علم امام» را که از ضروریات و وجوب امامت است، نادیده گرفته و چنین می‌پندارند که امام خود را به هلاکت انداخته است. اما اگر به عمق حادثه عظیم عاشورا نظر کنیم می‌بینیم که امام علیه السلام در نهایت بصیرت قدم در راه نهاده و آشکارا اعلام می‌کند: «الموت اولی من رکوب العار» (مجلسی، ۱۳۸۰: ۷۳).

#### ه: قرائت ارزشی و مکتبی

در این قرائت از استناد به هر چیزی که دارای مدرک و سند تاریخی نباشد و یا آمیخته به خرافه و افسانه باشد به شدت پرهیز می‌شود.

طرفداران این نظریه بر پایه مدارک و اسناد معتبر تاریخی و بر مبنای اصول فکری و استمداد از رسول باطنی به بررسی و نقد حادثه عاشورا می‌پردازند. این نظریه در دوران قاجار و پس از انقلاب مشروطه اندک اندک در میان مردم نفوذ یافت و کم قرائت خرافی که قبل از آن رواج داشت، منسوخ گردید.

در دوران پهلوی از شاخص‌ترین چهره‌های ملی که ضرورت قرائت ارزشی را به خوبی دریافت، مرحوم علی اکبر خوشدل تهرانی بود. با هم گل چینی از یک غزل او را مرور می‌کنیم:

بزرگ فلسفه نهضت حسین این است	که مرگ سرخ به از زندگی ننگین است
حسین مظهر آزادگی و آزادی است	خوشا کسی که چنینش مرام و آیین است
نه ظلم کن به کسی، نی به زیر ظلم برو	این مرام حسین است و منطق دین است

(تنکابنی، ۱۳۷۲: ۱۴۸-۱۴۷)

#### ۵. سیر تحول و تکامل شعر عاشورایی در ادب فارسی

شعر عاشورا مانند دیگر انواع شعر آیینی از زمان پیدایش خود؛ یعنی، از نیمه دوم قرن چهارم، هم از حیث ساختار لفظی و هم از جهت محتوا و درون مایه دچار دگرگونی شده

است. این دگرگونی مولد عواملی است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم براین جریان تأثیرگذار بوده‌اند.

شعر عاشورا در مسیر پریپیچ و خم خود دوره‌های مختلفی را پشت سر نهاده که به طور اختصار عبارتند از:

۵.۱. عصر اول: دوره پیش از صفویه (قرن چهارم تا پایان قرن نهم)؛

۵.۲. عصر دوم: دوره صفویه (قرن دهم و یازدهم)؛

۵.۳. عصر سوم: دوره پس از صفویه تا پایان قاجاریه (قرن‌های دوازدهم و سیزدهم)؛

۵.۴. عصر چهارم: دوره معاصر (از سال ۱۳۸۰-۱۳۰۰ ه. ش) «(کافی، ۳۶: ۱۳۸۸).

### ویژگی عصر اول

این دوره اگرچه یکی از درخشان‌ترین ادوار شعر فارسی است. اما شعر عاشورایی آن به مانند کودک نوپایی است که تازه قدم در مسیر نهاده و تا رسیدن به مرز پختگی راه درازی در پیش دارد.

سوغ سروده‌های این دوره عموماً عاطفی، ماتمی و فاقد پیام وارزش انسانی است. قالب سروده‌ها قصیده است و محور اصلی این سروده‌ها وجود نازنین سیدالشهدا علیه السلام است و دیگر یاران در جنب سیمای تابناک امام علیه السلام کم فروغ می‌نمایند. با هم منتخبی از شعر این دوره را در دیوان امیر معزی مرور می‌کنیم:

یافتی برخوان اگر جویی رضای مرتضا

لافتی الا علی برخواند هر دم مصطفی

آمد آواز منادی لافتی الا علی

وانگهی لاسیف الا ذوالفقار آمد ندا

وان دو فرزند عزیزش چون حسین و چون حسن

هر دو اندر کعبه جود و کرم رکن و صفا

آن یکی را جان زتن گشته جدا اندر حجاز

وان دگر را سر جدا گشته زتن در کربلا

آن که دادی بوسه بر روی و قفای او رسول

گرد بر رویش نشست و شمر ملعون در قفا

(امیر معزی، ۲۹: ۱۳۸۵)

### ویژگی عصر دوم

دوران صفوی به عنوان نقطه عطفی در تاریخ سیاسی شیعه به حساب می آید. پادشاهان این سلسله که نسب خود را به امام موسی کاظم علیه السلام می رساندند، پایه تشیع را در این کشور پی ریزی کرده و آن را به عنوان مذهب رسمی تثبیت کردند. ارادت خاص آنان به علی علیه السلام و فرزندان او به حدی بود که «مثلاً وقتی محتشم قصیده‌ای به شیوه پیشینیان در مدح شاه طهماسب صفوی سرود، شاه گفت: من راضی نیستم شاعران زبان به مدح و ثنای من بکشایند، بهتر است قصیده در شأن حضرت علی علیه السلام و امامان معصوم بگویند و جایزه خود را ابتدا از ارواح مقدس آنان و پس از آن، از ما توقع نمایند.» (یا حقی، ۳۸: ۱۳۸۶).

این اندیشه اگرچه سبب گسترش و ترویج فرهنگ عاشورا و به دنبال آن شعر عاشورایی گردید، اما چون با افراط‌گری و اغراق همراه بود برپیکره این بخش از ادب آیینی ما چنان لطمه‌ای وارد ساخت که پیامدهای آن تا سالیان دراز ادامه یافت و باعث پیدایش آثاری چون روضه الشهداء و اعظ کاشفی گردید که به گونه‌ای مبالغه‌آمیز و توأم با خرافات به شرح و تفسیر واقعه عاشورا می پرداخت و حدود چهار قرن در عرصه ادبیات مآتمی ما به صورت جدی و پررنگ حضور داشت؛ نمونه‌ای از شعر شاعران این دوره:

روزبست این که حادثه کوس بلا زده‌ست	کوس بلا به معرکه کربلا زده‌ست
روزبست این که دست ستم، تیشه جفا	برپای گلبن چمن مصطفی زده‌ست
روزبست این که بسته تنق آه اهل بیت	چتر سیاه بر سر آل عبا زده‌ست
روزبست این که کشته بیداد کربلا	زانوی داد در حرم کبریا زده‌ست
یعنی محرم آمد و روز ندامت است	روز ندامت چه که روز قیامت است

(وحشی بافقی، ۲۵۳: ۱۳۷۳-۲۵۲)

## ویژگی عصر سوم

پس از سقوط صفویه به مدت نیم قرن، بازار شاعری از رونق افتاد و این وضع تقریباً تا پایان حکومت آقا محمد خان قاجار ادامه یافت؛ اما با روی کار آمدن فتح علی شاه، دوران فترت به پایان رسید و بار دیگر شعر و شاعری رونق یافت.

عهد قاجار نه تنها به لحاظ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هیچ دستاوردی برای ملت ایران نداشت، بلکه آثار زیان باری بر ایرانیان تحمیل کرد. بی‌کفایتی شاهان قجری در عرصه سیاست داخلی و مملکت داری از یک سو و نیز ناتوانی آنان در سیاست خارجی و ارتباط با ملل، از سوی دیگر باعث شد که ایران عملاً به میدان تاخت و تاز قدرت‌های بزرگ آن زمان به ویژه روس و انگلیس تبدیل شود؛ دست‌اندازی ملل مذکور بر سرمایه‌های این ملت و عقد قراردادهای ننگینی چون ترکمان‌چای و گلستان که در طول تاریخ چند هزار ساله این سرزمین، بی‌سابقه است، شاهدی بر این ادعاست. با این همه عهد قاجار در عرصه ادبیات ایران، یکی از ادوار طلایی به حساب می‌آید.

علت این که این دوره را دوره شکوهمندی در عرصه ادب فارسی دانسته‌اند، این است که شعر فارسی فضای تازه‌ای را به تجربه نشست و از محدوده دربار خارج شد و به کوچه و بازار راه یافت.

در این دوران مهم‌ترین تغییر جغرافیایی در حوزه شعر و ادب فارسی روی داد و آن انتقال پایتخت ادبی از اصفهان و شیراز به تهران بود. اما مهم‌ترین رخداد سیاسی این دوره که ساختار سیاسی، اجتماعی و ادبی ایران را برای همیشه دگرگون کرد، انقلاب مشروطه بود. این حرکت عظیم که ریشه در بیداری جامعه و آشنایی آن با فضای جدید جهانی داشت، جهان بینی و جهان‌شناسی ایرانیان را به سمت نگرشی پویا و هدفمند سوق داد و زمینه خیزش ملت را فراهم آورد.

بی‌شک عرصه ادب فارسی و به تبع آن شعر عاشورایی در اثر دگرگونی‌های تازه سیاسی و اجتماعی، دچار تغییر در حوزه محتوایی گردید و قرائت‌های تازه‌ای از فرهنگ عاشورا مطرح شد. «در این دوره [دوره سوم] از دو منظر حماسی و عرفانی به آن [عاشورا] نگاه می‌شد. قرائت حماسی و اساطیری عاشورا سبب پدید آمدن چند منظومه حماسی

نظیر آثار ملک الشعرا، صبا و سروش اصفهانی شد و نگاه عرفانی به موضوع یا برداشت عرفانی - حماسی مجموعه های دل انگیز و مورد قبولی نظیر آتشکده نیر، زبده الاسرار صفی علی شاه و گنجینه الاسرار عمان سامانی را به وجود آورد. «کافی، ۱۳۸۸: ۴۴۶».

منتخبی از منظومه عاشورایی آتشکده نیر را که با لحنی استوار و حماسی و با نگاهی عرفانی به واقعه عاشورا، سروده شده است؛ مرور می کنیم:

شاد زی شاد ای زمین کربلا	این من و این تیرباران بلا
سوی تو با شوق دیدار آمدم	بردم اینجا بویی از یار آمدم
آدم تا جسم و جان قربان کنم	منزل آن سوتر از جسم و جان کنم
آدم تا دست و پا در خون کشم	کاین چنین خواهد نگار مهوشم
عشق از اول سرکش و خونی بود	تا گریزد هر که بیرونی بود

(نیر تبریزی، ۱۳۴۷: ۶)

#### ویژگی عصر چهارم

دوران معاصر در تاریخ سیاسی ایران از سال ۱۳۰۰ هجری شمسی آغاز می شود؛ این دوره به دو بخش تقسیم می شود. بخش اول دوران حکومت پهلوی و دیگری دوران جمهوری اسلامی است.

در دوره پهلوی اول «مبارزه با مظاهر دین و منع عزاداری عمومی، رشد گرایش به تفکرات غربی و فلسفه های جدید و نحله های راه یافته به جامعه، به خصوص در میان طبقات روشن فکر به همراه ترویج تفکر هنر بدون التزام، سبب شد تا ادبیات از مضامین آیینی کنار بگیرد و باز همان طور که اشاره شد در شعر مذهبی به قصاید یا قطعات مدحیه با موضوع حضرت رسول و حضرت امیر «علیهما السلام» بسنده شد و کار شعر عاشورایی به شاعران با توفیق نسبی سپرده شده که معمولاً مرتباً شاعریشان فروتراز ادیبان و شاعران طراز اول بود یا لا اقل رسانه ها و تبلیغات دستگاه آنان را چنان که بودند، نشان نمی داد» (کافی، ۱۳۸۸: ۴۶۴).

با ظهور انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی فضای جامعه به طرز شگفت انگیزی دگرگون



شد و مفاهیم ارزشی در نزد جامعه تعریفی تازه پیدا کرد؛ شور انقلابی با حس وطن پرستی و ایثارگری در هم آمیخت و همین تحولات اجتماعی سبب تغییر در اندیشه سخنوران و به دنبال آن تغییر در فضای ادبی شد و رفته رفته مفاهیم تازه که ملهم از حماسه عاشورا و قیام سیدالشهدا بود، شعر و ادب فارسی را متأثر از خویش کرد.

انقلاب مقدس اسلامی به دلیل پیوند با فرهنگ عاشورا، با شور و گستردگی و ژرفای بیشتر به این موضوع پرداخت؛ انقلابی که خود محصول کربلاست و ریشه در خون زلال کربلا دارد. انقلابی که از محرم بالندگی و شکوفایی یافت، باید عاشورا و کربلا را ارج بگذارد و همه مظاهر و شعایر این فرهنگ را ترویج کند. (سنگری، ۱۳۷۹: ۱۵۲)

جنگ هشت ساله نیز علی رغم آثار زیان باری که برجای نهاد، به عنوان یکی دیگر از عوامل رویکرد شاعران متعهد ما به فرهنگ عاشورا و شعر عاشورایی مؤثر واقع شد. صحنه های جنگ هریک به فراخور خویش تداعی گر صحنه های پر شور عاشورا گردید. رویارویی با دشمن، شعور لحظه های عملیات، وداع با خانواده و هم سنگران و... هریک صحنه ای از کربلا را در ذهن خلاق شاعران این دوره مجسم می کرد و محتوای شعر ایشان را به درک تجربه ای تازه سوق می داد.

علاوه بر حوزه محتوایی در ساختار شعر عاشورایی این دوران نیز تغییراتی دیده می شود که از جمله آن، تنوع فوق العاده اوزان عروضی است. تنوعی که در تاریخ شعر آیینی و به ویژه شعر عاشورایی بی سابقه است. شاهد زیر دلیلی روشن بر سیر تکاملی شعر عاشورایی و از نمونه های موفق آن در عصر معاصر است:

درختان را دوست می دارم / که به احترام توقیام کرده اند / و آب را / که مهر مادر دوست / خون تو شرف را سرخگون کرده است / شفق، آینه دار نجابت / و فلق، محرابی / که تو در آن نماز صبح شهادت گزارده ای / (موسوی گرمارودی، ۱۳۶۸: ۱۹۷)

آری شعر عاشورایی پس از سپری کردن تاریخ پرفراز و نشیب خود، تاریخی که از تمام جریان های سیاسی و اجتماعی این سامان متأثر است، با شتاب به سوی کمال راه می پیماید. شاعران مؤمن و متعهد در هر دوره کوشیده اند تا به دنبال شناخت و تحلیل ارزش های عاشورایی و با به تصویر کشاندن این مفاهیم در سروده های خود، محتوای شعر

عاشورا را غنا بخشیده و با استفاده از زبان تصویر مفاهیم ارزشی قیام سید الشهداء علیه السلام را به مخاطب بنمایاند.

## نتیجه

تأکید و توجه حضرات معصومین علیهم السلام به پاس داشت و بزرگداشت نام و یاد حسین علیه السلام شاعران بسیاری را برآن داشت تا با سلاح قلم به حفظ ارزش‌های اصیل حسینی و انتقال آن به نسل‌های آینده همت گمارند. در حقیقت این گروه از شاعران سفیرانی هستند که پیام سرخ نهضت عاشورا را با زبانی گرم و گیرا به گوش عصرها و نسل‌ها می‌رسانند. برای تحقق این هدف شعر عاشورا از نیمه دوم قرن چهارم به عنوان فصلی نو در ادب آیینی جلوه نمود. این بخش از ادبیات ما که در آغاز تنها در بردارنده جنبه‌های عاطفی، ماتمی و حماسی نهضت عظیم عاشورا بود، در مسیر تکامل خویش به شرح و بیان مفاهیم والای انسانی، اخلاقی و عرفانی این نهضت عمیق روی آورد و با نام شعر عاشورایی اندک اندک از شعر عاشورا متمایز گردید.

شعر عاشورا که از آغاز پیدایش خود به مدت چند قرن از کهنگی مضمون و پوسیدگی ساختار رنج می‌برد، با ظهور محتشم کاشانی و خلق شاهکار جاودانه اش روح تازه‌ای یافت و شاعران بسیاری به استقبال از ترکیب بند معروف او شتافتند.

قرائت‌های مختلف از فرهنگ عاشورا نیز که ریشه در باورهای متفاوت مردم این سامان دارد، در نگرش شاعران و فضای شعری آنان تأثیری مستقیم و آشکار داشته است. تفاوت روضه الشهداءی واعظ کاشفی با گنجینه الاسرار عمان سامانی گواهی بر این ادعاست.

در پایان باید اذعان داشت، رخدادهای سیاسی و اجتماعی جامعه که عرصه ادبیات است و بالطبع ادب آیینی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، بازتاب‌هایی متفاوت در فضای شعر عاشورایی داشته است؛ از این میان نقش نهضت مشروطه، انقلاب پنجاه و هفت و حادثه جنگ تحمیلی از بسیاری وقایع دیگر پررنگ‌تر می‌نماید.

## منابع

- قرآن کریم.
- امامی، نصرالله. (۱۳۷۴). *کسایب مروزی و شعرو زندگی او*. تهران: انتشارات جامی.
- امیرمعزی، محمد بن عبدالملک. (۱۳۸۵). *دیوان اشعار*. تصحیح و تعلیقات محمد رضا قنبری. چاپ اول. تهران: انتشارات زوار.
- بابا طاهر. (۱۳۵۴). *شرح احوال، آثار و دویبتی ها*. تصحیح جواد مقصور. تهران: نشر انجمن آثار ملی.
- تنکابنی، سید ضیاءالدین. (۱۳۷۲). *مدایح و مرثی آل محمد*. جلد اول: انتشارات ناصر.
- خواجهی کرمانی، کمال الدین. (۱۳۶۹). *دیوان اشعار*. به اهتمام احمد سهیلی خوانساری. چاپ دوم. تهران: پاژنگ.
- خوسفی قهستانی، محمد بن حسام الدین. (۱۳۶۶). *دیوان اشعار*. به اهتمام احمد احمدی بیرجندی و محمد تقی سالک. چاپ اول. تهران: حج و زیارت.
- سنایی غزنوی، ابوالمجد. (۱۳۶۲). *کلیات سنایی*. به کوشش مدرس رضوی. چاپ سوم. تهران: کتابخانه سنایی.
- سنگری، محمد رضا. (۱۳۷۹). *پیوند دو فرهنگ (فرهنگ عاشورا و دفاع مقدس)*. قم: انتشارات یاقوت.
- صامت بروجردی، محمد باقر. (بی تا). *دیوان اشعار*. تهران: انتشارات جاویدان.
- عمان سامانی، نورالله. (۱۳۷۹). *گنجینه الاسرار*. مقدمه و تحقیق حسین بدرالدین. چاپ سوم. تهران: انتشارات سنایی.
- کاشفی، ملاحسین واعظ. (۱۳۵۸). *روضه الشهداء*. به کوشش ابوالحسن شعرانی. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- کافی، غلامرضا. (۱۳۸۸). *شرح منظومه ظهر*. چاپ دوم: انتشارات مجتمع فرهنگی عاشورا.

- مجاهدی، محمد علی. (۱۳۷۹). *شکوه شعر عاشورا در زبان فارسی*. چاپ اول. قم: انتشارات پیک جلال.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۳۸۰). *ترجمه جلد دهم بحار الانوار*. مترجم محمد جواد نجفی. چاپ سوم. تهران: نشر اسلامی.
- محتشم کاشانی، علی بن احمد. (۱۳۸۵). *دیوان اشعار*. تصحیح و مقدمه اکبر بهداروند. چاپ سوم. تهران: انتشارات نگاه.
- محدثی، جواد. (۱۳۸۳). *فرهنگ عاشورا*. چاپ هفتم. قم: نشر معروف.
- محمد زاده، مرضیه. (۱۳۸۳). *دانشنامه شعر عاشورایی*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- موسوی گرمارودی، علی. (۱۳۶۸). *دست چین (گزیده هفت مجموعه شعر)*. چاپ اول. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- مولوی، جلال الدین محمد. (۱۳۷۷). *کلیات شمس*. به کوشش منصور مشفق. چاپ دوازدهم. تهران: صفی علیشاه.
- نیرتبریزی، محمدتقی. (۱۳۴۷). *دیوان اشعار*. به کوشش عبدالرسول احقاقی. چاپ اول. تبریز: مکتب شیعیان.
- وحشی بافقی، شمس الدین محمد. (۱۳۷۳). *دیوان اشعار*. تصحیح و مقدمه اسماعیل شاهرودی (بیدار). چاپ اول. تهران: انتشارات فخر رازی.
- یاحقی، محمد جعفر و فرزاد، عبدالحسین. (۱۳۸۶). *تاریخ ادبیات ایران و جهان ۲*. چاپ هفتم. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران.